

رابطه بین سبک های دلبستگی، مسئولیت پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی

The Relationship between the Attachment Styles, Responsibility and Forgiveness and Marital Commitment

ک سیده فاطمه رسولی / کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
سیده لیلیا حسینی طبّدهی / استادیار گروه مدیریت، واحد رامسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران leila.hosseitabaghdehi@yahoo.com
عین الله مظلومی زیدی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

Sayyida Fatima Rasuli / MA of Psychology / Islamic Azad University, Sari

Sayyida Leyla Husseini Tabaqdehi / Assistant Professor in Department of Management / Islamic Azad University, Ramsar

Aynullah Mazlumi Zeydi / Assistant Professor in Islamic Azad University, Sari

ABSTRACT

The present study aims at investigating the relationship between attachment styles, responsibility and forgiveness and marital commitment. It was done through a descriptive method. The statistical population of the study was composed of married personnel in university of medical sciences in Sari city. 256 of them were selected through random selection. To gather data, we used four questionnaires as follows: Adams and Jones Marital Commitment Questionnaire, Hazan and Shaver Attachment Scale Questionnaire, Harrison Gough's Responsibility Scale, and Ehteshamzade et al Interpersonal Forgiveness Scale. To analyze data, we used descriptive statistics and Pearson's correlation coefficient as well as multi-variable regression simultaneously. The findings showed that there is a meaningful relationship between attachment styles,

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی، مسئولیت پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی می باشد. این پژوهش با روش توصیفی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شهرستان ساری تشکیل بودند که تعداد ۲۶۵ نفر با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از چهار پرسش نامه تعهد زناشویی آدامز و جونز، پرسش نامه مقیاس دلبستگی هازن و شیور، مقیاس مسئولیت پذیری گاف و مقیاس سنجش بخشودگی بین فردی احتشام زاده و همکاران استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان استفاده شد. یافته ها نشان داد که بین سبک های دلبستگی، مسئولیت پذیری

responsibility and forgiveness and marital commitment. The results of regression analysis showed that among three subscales of attachment styles, safe attachment style plays a greater role in predicting the variable of marital commitment. Besides, responsibility and forgiveness are able to predict marital commitment. In general, the findings of the study suggest the important and influential role of the variables of attachment, responsibility and forgiveness in predicting marital commitment.

KEY WORDS: marital commitment, attachment styles, responsibility, forgiveness.

و بخشودگی با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین سه خرده‌مقیاس سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی ایفا می‌کند. همچنین، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی نیز توانایی پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی را دارند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاکی از نقش مهم و تأثیرگذار متغیرهای دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی بود.

کلیدواژه‌ها: تعهد زناشویی، سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری، بخشودگی.

مقدمه

«ازدواج»، یک پیوند مقدس، عقلانی و عاطفی بین دو نفر، جهت رسیدن به خانواده‌ای مستقل، که فرد در سایه آن حس آرامش، هماهنگی، همدلی و همسویی در زندگی می‌کند. ازدواج، عاملی برای رشد، شکوفایی، تکامل طرفین و رفع نیازهای اساسی انسان است. به عبارت دیگر، ازدواج سنگ بنای خانواده است و می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در زندگی هر فرد دانست (حفاظی‌طرقبه، فیروزآبادی و حق‌شناس، ۱۳۸۵). تعهد، جاذبه و تفاهم، سه رکن اساسی ازدواج موفق است. در واقع، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل سه رکن اساسی ازدواج موفق است. در واقع، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (رضایی، احمدی، اعتمادی و رضایی حسین‌آبادی، ۱۳۹۱). تعهد زناشویی، را می‌توان احساس تداومی که در جاذبه و محدودیت‌ها پیدا می‌شود، تعریف کرد (نلسون، کرک، ان و سرس^۱، ۲۰۱۱). آدامز و جونز^۲ (۲۰۰۴)، تعهد زناشویی را به‌عنوان تمایل زوجین برای تداوم رابطه زناشویی بدون توجه به نوسان میزان رضایتمندی تعریف کرده‌اند. آماتو^۳ (۲۰۰۸)، معتقد است: تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه اندازه برای روابط زناشویی خود، ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله مناسب‌تر و رضایت زناشویی ارتباط دارد

۱. Nelson J.A, Kirk A.M, Ane P, Serres S.A

۲. Adams, J. M, Jones, W. H

۳. Amoto, P.R

(مسترز^۱، ۲۰۰۸؛ کاپینوس و جانسون^۲، ۲۰۰۳). در مقابل، زوج‌هایی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده باشند و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کارکرد با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر بی‌وفایی خواهد بود. در این میان، «تعهد» ابزاری است که میزان امنیت و فاصله از شریک زندگی را پدید می‌آورد (عباسی مولید، فاتحی‌زاده و قمرانی، ۱۳۹۲).

از منظر آموزه‌ها و تعالیم اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر از سوی خداوند است، خانواده دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است. با نگاهی به مفهوم خانواده در قرآن کریم، روشن می‌شود که اولاً، از ازدواج و شروع شکل‌گیری خانواده به‌عنوان «میثاق غلیظ» و پیوندی مستحکم و پایدار یاد شده است (نساء: ۲۱). ثانیاً، حریم خانواده، حریم امنیت، سکونت و پایگاه مؤانست و الفت و رحمت معرفی شده (روم: ۲۱) که برای ورود به این حریم، ادب و آدابی از جمله استیناس و استیذان (نور: ۲۷) مقرر می‌گردد. براین اساس، خداوند متعال از یک سو، خانواده را مهم‌ترین پایگاه پاسخگویی نیاز ذاتی و طبیعی انسان، یعنی سکونت و مؤانست می‌شمارد و از سوی دیگر، انسان را به رعایت تقوای الهی در این حریم دعوت می‌کند و او را نسبت به همه اعضای خانواده و ارحام مسئول و پاسخگو می‌داند (نساء: ۱) و خداآوری و عبودیت را رمز قوت این کانون می‌شمارد (میرخانی، ۱۳۹۱، ص ۹۹۱). زمانی که قرآن صفات مؤمنان را یادآور می‌شود، به پایبندی به تعهدات زندگی‌شان و وفادار بودن به همسرشان اشاره می‌کند (مؤمنون: ۸). حضرت علی[†] می‌فرماید: «شخصی که وفادار باشد سه صفت خوب در زندگی‌اش پایدار می‌شود: ۱. به او احترام می‌شود؛ ۲. آرامش دارد؛ ۳. رحمت الهی از نظر مادی و معنوی بر او نازل می‌شود» (نهج البلاغه، خ ۴۱). از این رو، به نظر می‌رسد تعهد به ازدواج، هدف مقدسی برای زوج‌های مذهبی است و این دسته از زوجین معتقدند: آنها نه تنها در قبال همسر خود باید متعهد باشند، بلکه در برابر خداوند نیز برای حفظ رابطه خود بایستی تعهد داشته باشند. بنابراین، مذهب دیدگاهی به زوجین می‌دهد که به آنها کمک می‌کند تا در مشکلات به یکدیگر متعهد بمانند (ماهوری، ۲۰۰۵).

به‌طور کلی، مطالعات پیرامون مفهوم تعهد در ازدواج از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و پژوهشگران از طریق مدل‌ها و نظریه‌های گوناگون، به مفهوم‌سازی و تبیین آن پرداختند. در میان اندیشمندان متعددی که در رابطه با تعهد زناشویی نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ جانسون^۳ و همکاران (۱۹۹۹) مدلی ارائه داده است که در آن تعهد زناشویی به سه نوع تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری تقسیم می‌شود. این سه قسمت تعهد مربوط به رضایت از رابطه می‌باشند. تعهد شخصی، به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. این تعهد، منعکس‌کننده تلقی‌های فرد نسبت به

۱. Masters, A

۲. Kapinus, C. A, Johnson, M. P

۳. Johnson M.P

شریک زندگی و رابطه‌اش و همچنین میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (رامیرز، ۲۰۰۸). منظور از تعهد اخلاقی، میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره مسیر رفتار صحیح در رابطه، در محوریت تجربه تعهد اخلاقی است (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). این تعهد منعکس‌کننده باور فرد به قداست حرمت رابطه، میل به سازگاری ارزش‌های طرفین و حس تعهد اخلاقی نسبت به شریک زندگی و رابطه است (نلسون و همکاران، ۲۰۱۱). تعهد ساختاری، به معنای میزان احساس شریک زندگی نسبت به تعهد به ادامه رابطه عاشقانه‌شان است. تعهد ساختاری، به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (تانگ و کوران^۲، ۲۰۱۲). تأثیر موانع یا محدودیت‌ها در اتمام رابطه، سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی مربوط به گذشته و حال، وجود جایگزین‌های قابل قبول برای رابطه، همه و همه به عنوان عوامل محوری تعهد ساختاری تلقی می‌شوند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹).

عوامل مختلفی بر سطح تعهد زوجین مؤثر است. یکی از مدل‌های تبیینی و رویکردهای مشهور در این زمینه، نظریه سبک‌های دلبستگی است. مهم‌ترین خصوصیت نظریه دلبستگی بالبی، اشاره به اثرات بلندمدت تجربیات مرتبط با دلبستگی است. بالبی معتقد است: دلبستگی در رابطه والد-کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت، هیجانات در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تأثیر بگذارد. کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدینش باشد.

اگرچه نظریه بالبی در اصل درباره پیوند عاطفی بین کودک یا جانشین وی ارائه شده است، ولی پژوهش‌های انجام شده از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد (مانند اینزورث ۱۹۸۵؛ کوبک و اسکیری، ۱۹۸۸) دلایلی برای ارتباط بین اصول وابستگی با روابط نزدیک بزرگسالان ارائه دادند و این دلایل بر تحلیل کنش‌های رابطه دلبستگی متمرکز است. پیوند دلبستگی به طور خاص، شامل حفظ نزدیکی، پایگاه امن و اعتراض جدایی است. بر اساس نظر بسیاری، از جمله این ویژگی‌های رابطه کودک-مراقب قابل تعمیم به بسیاری از روابط بزرگسالان با نزدیکان خود، اعم از خویشان و دوستان صمیمی است. در دوران بزرگسالی، دلبستگی‌های قدیمی باقی مانده و وابستگی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. روابط دلبستگی بزرگسالی دارای کیفیت دوجانبه هستند که دلبستگی‌های نامتقارن کودکی هرگز دارای آن نبودند. هدف از نظام دلبستگی حتی برای بزرگسالان، دسترسی به چهره دلبستگی است. البته برای بزرگسالان ممکن است تماس بدنی واقعی غالباً ضروری نباشد (رشیدی، ۱۳۹۳).

در حمایت از این نظریه، پژوهش کولین و فینی (۲۰۰۰) که به بررسی ارتباط حمایت جویی، روابط بین‌فردی صمیمی و تفاهم زناشویی پرداخته است، نشان داد که سبک دلبستگی ایمن باعث

۱. Ramirez, A

۲. Tang, C. Y, Curran, M. A

می‌شود تا تداوم بیشتری در روابط بین فردی صمیمی و ایجاد تفاهم زناشویی به وجود آید و همواره سبک دلبستگی اجتناب به دنبال حمایت جویی مؤثر نمی‌رود. به علاوه سبک دلبستگی مضطرب بی‌توجهی ضعیفی را به همسر خویش نشان می‌دهد. همچنین، اسکندری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی» به این نتیجه رسیدند که هرچقدر میزان سبک دلبستگی اضطرابی در افراد با روابط فرازناشویی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در آنها کمتر خواهد بود، و هرچقدر میزان دلبستگی اجتنابی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در افراد با خیانت زناشویی کمتر خواهد بود، و سبک دلبستگی ایمن در افراد با خیانت زناشویی پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی آنها نمی‌باشد. مطالعه هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی (۱۳۹۵)، نشان داد که اثر مستقیم سبک دلبستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی معنادار نبوده، اما اثر غیرمستقیم و کل آن با میانجیگری خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار معنادار بود که این نشان می‌دهد اثری که دلبستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی دارد به واسطه اثر متغیرهای خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار می‌باشد. در نهایت، نتایج پژوهش پیستول و لورانس^۱ (۱۹۹۹)، نشان داد اشخاصی که در رابطه، دلبستگی دل‌مشغول یا ایمن را تصدیق کرده بودند، وفاداری شخصی قوی‌تری نسبت به افرادی که دلبستگی اجتنابی بیمناک یا دلبستگی اجتنابی را تصدیق کرده بودند، داشتند.

از سوی دیگر، با توجه به رویکرد صفات، یکی از ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی است. مسئولیت‌پذیری، اشاره به خلق و خوی قابل اعتماد، هشیار، مسئول و منظم دارد و خود مسئولیت‌پذیر در هنگام مواجهه با بازخورد منفی درباره یک عمل یا تصمیم، منابع بیشتری را برای عمل و ایستادگی در حل مشکلات اختصاص می‌دهد (اسچولز-هارت، تورو-کرونینگ و فری^۲، ۲۰۰۹، به نقل از: زارع بهرام‌آبادی، دره و اژدری، ۱۳۸۹). مسئولیت‌پذیری، رفتار تکلیف‌محور و هدف‌محور را شامل می‌شود و مشخص می‌کند که یک نفر تصمیم خود را برای انجام یک عمل ادامه می‌دهد و به سرانجام می‌رساند. در این زمینه پژوهش جارویس^۳ (۲۰۰۶)، نشان داد که از بین عوامل شخصیتی نئو، وظیفه‌شناسی و وجدان‌گرایی بالا، تعهد زناشویی افراد را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، فوروکاوا^۴ و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که زنان وظیفه‌شناس، شوهرانشان را با صفاتی مانند حمایت‌کننده، شریف و کمتر کنترل‌کننده توصیف می‌کنند و همواره تلاشی هدفمند برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود نشان می‌دهند (به نقل از: احدی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های مختلفی از جمله فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)، عبدی و همکاران (۱۳۹۴)، ممینی‌نیا (۱۳۹۳)، بین

۱. Pisto, M. C, Iorance, C. V

۲. Schulz, H, Thurow, K, Fery

۳. Jarvis, M. O

۴. Forocav

مسئولیت پذیری و تعهد زناشویی زنان و مردان رابطه معناداری را گزارش کرده‌اند. براساس این پژوهش‌ها، مسئولیت پذیری بالا می‌تواند تعهد زناشویی بالا در مردان و زنان را پیش‌بینی کند و در افراد متأهل هرچه مسئولیت‌پذیری بالاتر باشد، تعهد زناشویی نیز بالاتر است.

علاوه بر سبک‌های دلبستگی و ویژگی شخصیتی مسئولیت‌پذیری که به نظر می‌آید بیشتر تأثیرات زمینه‌ای بر تعهد زناشویی داشته باشند، بخشودگی نیز به عنوان یک عامل پسینی تأثیرگذار بر رضایت و تعهد زناشویی محسوب می‌شود (زکی بی، خدادادی، علیخانی، رستمی و کرمی، ۱۳۸۹). باسکین و انرایت^۱ (۲۰۰۴) معتقدند: بخشودگی، مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی است که در نتیجه یک خطای درون فردی رخ می‌دهد، زمانی که یک فرد صدمه دیده، فرد خاطی را می‌بخشد و انگیزش‌های اساسی او مانند انتقام‌جویی و اجتناب از تماس با فرد خاطی کم می‌شود، دیگر انگیزش‌های ساختاری - رابطه‌ای همچون انگیزش برای از سرگیری یک رابطه مثبت بازگردانده می‌شود. این تغییرات انگیزشی اتفاق می‌افتد، حتی اگرچه در اکثر موارد قربانی به ارزیابی اقدامات مضر و صدمه‌زننده فرد خاطی ادامه دهد و آنها را ناعادلانه بداند. کارمیچل^۲ (۲۰۰۳)، درباره بخشودگی می‌گوید: «بخشودگی به عنوان یک تجربه هیجانی در موقعیت‌های درون فردی، میان فرد خاطی و فرد قربانی خود را نشان می‌دهد» (به نقل از: زهتاب نجفی، درویژه و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). در همین رابطه فینچام، پلیری و رگالیا^۳ (۲۰۰۲) نیز بخشودگی را به عنوان عاملی در تحلیل بهتر تعارضات زناشویی و در نهایت، دستیابی به رضایتمندی و سازگاری زناشویی بهتر توصیف کرده‌اند. همچنین، محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه صمیمیت زناشویی و بخشودگی با تعهد زناشویی در کارکنان زن متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شاهرود» به این نتیجه رسید که بین صمیمیت زناشویی و بخشودگی با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بخشودگی می‌تواند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند.

با مرور پژوهش‌های پیشین و با توجه به افزایش روزافزون آمار طلاق و پیمان‌شکنی‌های زناشویی، تحقیقات پیشگیرانه جهت شناسایی عوامل سبب‌ساز و مرتبط با تعهد زناشویی ضروری به نظر می‌رسد. با وجود تحقیقات متعددی که رابطه هر یک از متغیرهای پژوهش را به صورت جداگانه با تعهد زناشویی بررسی کرده‌اند؛ اما پژوهشی که به صورت همزمان به رابطه سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین، این پژوهش به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی در کارکنان متأهل علوم پزشکی ساری پرداخته و سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین را در رابطه با تعهد زناشویی مشخص می‌کند.

۱. Baskin T, Enright, R

۲. Karmichael

۳. Finchan, F, Paleri, G, Recalia, C

روش پژوهش

این پژوهش، مقطعی- توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا/ اضطرابی)، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی (کنترل انتقام‌جویانه، کنترل رنجش، درک واقع‌بینانه) به‌عنوان متغیر پیش‌بین و تعهد زناشویی (تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری) به‌عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش، همه کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شهرستان ساری بودند که ۲۶۵ نفر آنها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و از آنها خواسته شد تا به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسش‌نامه استاندارد شده تعهد زناشویی: این پرسش‌نامه توسط آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و دارای ۴۴ سؤال و سه بُعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، تعهد ساختاری.

آدامز و جونز، در شش پژوهش گوناگون برای به دست آوردن پایایی و روایی پرسش‌نامه، آن را بر روی ۴۷۰ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات، همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود. به‌طور کلی، ابعاد این پرسش‌نامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز، میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶. در این پژوهش، آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد ساختاری ۰/۷۸ و برای کل آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس دلبستگی هازن و شیور: برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سبک دلبستگی، از پرسش‌نامه هازن و شیور (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۱۵ سؤال است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده‌مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده‌مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال بوده است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

مقیاس مسئولیت‌پذیری (CPI-RE): برای سنجش میزان مسئولیت‌پذیری از خرده‌مقیاس مسئولیت‌پذیری پرسش‌نامه شخصیتی کالیفرنیا^۲ استفاده شده است. این پرسش‌نامه ۴۶۲ سؤال دارد که ۴۲ ماده از آن مربوط به حس مسئولیت‌پذیری است. این پرسش‌نامه برای نخستین بار

۱. Hazan C, Shaver P

۲. California Psychological Inventory (CPI)

توسط هارسیون گاف^۱ در سال ۱۹۵۱ منتشر شد. در پژوهشی، ضرایب پایایی مقیاس مسئولیت پذیری به سه روش دونیمه سازی سؤالات فرد و زوج، آلفای کرونباخ و گتمن محاسبه شده است که به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۰ و ۰/۶۹ به دست آمده است و حاکی از پایایی مطلوب مقیاس مذکور می باشد. همچنین، بر اساس نتایج این پژوهش برای بررسی ضرایب اعتبار خرده مقیاس مسئولیت پذیری، از روش ملاکی همزمان استفاده شده است و مقدار آن برابر با ۰/۶۱ بود، که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می باشد و حاکی از اعتبار مطلوب و رضایت بخش مقیاس مذکور است (به نقل از: طباطبایی و طباطبایی، کاکایی و محمدی آریا، ۱۳۹۱).

مقیاس سنجش بخشودگی بین فردی احتشام زاده و همکاران: این پرسش نامه در سال ۱۳۸۹ در ایران ساخته شد. هدف آن، سنجش میزان بخشودگی بین فردی و ابعاد آن در افراد مختلف می باشد. پژوهش احتشام زاده و همکاران (۱۳۸۹)، جهت سنجش روایی مقیاس بخشودگی در خانواده اصلی استفاده شد که همبستگی بین این دو مقیاس معنادار به دست آمد. این رابطه حاکی از روایی خوب این مقیاس می باشد. همچنین، پایایی پرسش نامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک به معنای پایایی کامل قرار می گیرد و هرچه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد، قابلیت اعتماد پرسش نامه بیشتر می شود. آلفای کرونباخ ارتباط مجدد و کنترل انتقام جویی ۰/۷۷، کنترل رنجش ۰/۶۶، درک و فهم واقع بینانه ۰/۵۷ و کل پرسش نامه ۰/۸۰ می باشد.

یافته های پژوهش

نمونه مورد مطالعه، شامل ۲۶۵ نفر (۱۴۰ زن و ۱۲۵ مرد) آزمودنی بود که ۸/۷ درصد پاسخ دهندگان زیر ۳۰ سال، ۴۴/۹ درصد، ۳۰ تا ۴۰ سال؛ ۳۵/۵ درصد، ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۰/۹ درصد، بالای ۵۰ سال سن داشتند. از نظر تحصیلات، ۱۱/۷ درصد پاسخ دهندگان دیپلم، ۷/۹ درصد کاردانی، ۳۰/۶ درصد کارشناسی، ۴۲/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۷/۲ درصد دارای مدرک دکتری بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری بخشودگی و تعهد زناشویی

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱. دلبستگی ایمن										۱
۲. نایمن اجتنابی									۱	۰/۳۴**
۳. نایمن دوسوگرا								۱	۰/۱۷**	۰/۴۹**
۴. سبک دلبستگی کل							۱	۰/۷۷**	۰/۵۸**	۰/۸۳**
۵. مسئولیت‌پذیری					۱	-۰/۴۶**	-۰/۱۱	-۰/۰۶**	-۰/۲۷**	-۰/۳۷**
۶. کنترل انتقام‌جویانه				۱	۰/۱۴*	-۰/۱۳*	-۰/۰۷	۰/۰۶	-۰/۱۵*	-۰/۱۵*
۷. کنترل رنجش			۱	۰/۴۸**	۰/۱۱	-۰/۲۵**	-۰/۱۶**	-۰/۰۶	-۰/۳۰**	-۰/۳۰**
۸. درک واقع‌بینانه			۱	۰/۰۹	۰/۳۵**	۰/۲۰**	-۰/۱۳	-۰/۰۳	۰/۰۱	-۰/۲۲**
۹. بخشودگی کل		۱	۰/۶۱**	۰/۷۳**	۰/۸۶**	۰/۲۰**	-۰/۲۳**	-۰/۱۲*	-۰/۰۵	-۰/۲۹**
۱۰. تعهد زناشویی	۱	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۲۷**	۰/۳۵**	۰/۲۳**	-۰/۲۰**	۰/۴۳**	۰/۰۴	-۰/۲۷**
M	۱۶۶/۴۶	۶۷/۸۱۵	۱۹/۶۱۸	۱۷/۰۱۸	۳۱/۱۷۷	۲۸/۲۶۴	۴۸/۰۷۹	۱۵/۹۱۷	۱۲/۵۲۴	۱۸/۶۳۷
SD	۲۰/۹۲۴	۷/۱۶۲	۲/۸۲۶	۳/۱۶۷	۳/۶۲۲	۵/۴۸۱	۷/۷۲۶	۲/۵۱۶	۳/۰۰۵	۳/۹۲۹

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

جدول ۱، نشان می‌دهد که بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در سبک دلبستگی مربوط به سبک دلبستگی ایمن (۱۸/۶۳) و در خرده‌مقیاس‌های بخشودگی در کنترل انتقام‌جویانه (۳۱/۱۷) می‌باشد. میانگین نمره متغیر تعهد زناشویی در بین شرکت‌کنندگان، ۱۶۶/۴۶ با انحراف معیار ۲۰/۹۲ به دست آمد. طبق ماتریس همبستگی بین سبک دلبستگی نایمن دو سوگرا، مسئولیت‌پذیری، هر سه خرده‌مقیاس بخشودگی و متغیر بخشودگی کل با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک دلبستگی ایمن و دلبستگی کل با تعهد زناشویی رابطه همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد ارتباط بین خرده‌مقیاس سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و تعهد زناشویی معنادار نیست.

به منظور تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح ذیل است.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق سبک های دلبستگی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
رگرسیون	۲۶۱۵۰/۹۰۴	۳	۸۷۱۶/۹۶۸	۲۵/۴۳۷	۰/۴۷۶	۰/۲۲۶	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
باقیمانده	۸۹۴۴۰/۹۳۰	۲۶۱	۳۴۲/۶۸۶					
کل	۱۱۵۵۹۱/۸۳۴	۲۶۴						

نتایج جدول ۲، نشان دهنده آن است که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه $R=0/476$ ، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش بین متوسط بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه $R^2=0/226$ ، بیانگر این است که متغیرهای پیش بین (مؤلفه های سبک دلبستگی)، $22/6\%$ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می کنند. نسبت میانگین مجزورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون ($F=25/437$) با سطح معناداری ($sig=0/000$) با اطمینان 95% درصد معنادار می باشد. نگاه به سطح معناداری مدل، حاکی از این واقعیت است که مدل رگرسیون به دست آمده قابلیت پیش بینی متغیر ملاک را دارد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		T	سطح معناداری
	B	اشتباه معیار	بتا			
ثابت	۲۱۴/۱	۷/۲۷۱			۲۹/۴۴۶	۰/۰۰۰
سبک ایمن	-۱/۱۸۲	۰/۳۳۹	-۰/۲۲۲		-۳/۴۸۴	۰/۰۰۱
ناایمن اجتنابی	۰/۴۶۵	۰/۳۹۱	۰/۰۶۷		۱/۱۸۸	۰/۲۳۶
ناایمن دوسوگرا	-۲/۰۰۴	۰/۲۷۴	-۰/۳۳۷		-۵/۳۶۴	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می دهد، آزمون t محاسبه شده ($1/188$) برای متغیر پیش بین ناایمن اجتنابی با متغیر ملاک تعهد زناشویی معنادار نشده است و آزمون t محاسبه شده برای متغیرهای پیش بین سبک ایمن و سبک ناایمن دوسوگرا با متغیر ملاک تعهد زناشویی با اطمینان 95% درصد، معنادار شده است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نیز نشان می دهد که اثر متغیرهای سبک های ایمن و ناایمن دوسوگرا در پیش بینی متغیر تعهد زناشویی به ترتیب $-0/222$ و $-0/337$ می باشد. به عبارت دیگر، می توان گفت: متغیر سبک ایمن سهم بیشتری در پیش بینی متغیر تعهد زناشویی دارد. به منظور تعیین سهم متغیر مسئولیت پذیری در پیش بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق مسئولیت‌پذیری

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
رگرسیون	۶۵۸۶/۶۴۰	۱	۶۵۸۶/۶۴۰	۱۵/۸۹۲	۰/۲۳۹	۰/۰۵۷	۰/۰۵۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۰۹۰۰۵/۱۹۴	۲۶۳	۴۱۴/۴۶۸					
کل	۱۱۵۵۹۱/۸۳۴	۲۶۴						

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه $R=0/239$ ، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین ضعیف بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه $R^2=0/057$ ، بیانگر این است که متغیر پیش‌بین (مسئولیت‌پذیری)، تنها ۵/۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می‌کنند. نسبت میانگین مجزورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون ($F=15/892$) با سطح معناداری ($sig=0/000$) با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می‌باشد. نگاه به سطح معناداری مدل نیز حاکی از این واقعیت است که مدل رگرسیون به دست آمده قابلیت پیش‌بینی متغیر ملاک را دارد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	اشتباه معیار			
ثابت	۱۴۰/۷۰۷	۶/۵۸۰		۲۱/۳۸۳	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۰/۹۱۱	۰/۲۳۹	۰/۲۳۹	۳/۹۸۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، آزمون t محاسبه شده (۳/۹۸۶) برای متغیر پیش‌بین مسئولیت‌پذیری با متغیر ملاک تعهد زناشویی معنادار شده است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نشان می‌دهد که اثر متغیر مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی (۰/۲۳۹) می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: متغیر مسئولیت‌پذیری قابلیت پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی دارد. به منظور تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های بخشودگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به تعهد زناشویی از طریق خرده مقیاس های بخشودگی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
رگرسیون	۳۱۸۱۲/۰۳۸	۳	۱۰۶۰۴/۰۱۳	۳۳/۰۳۵	۰/۵۲۵	۰/۲۷۵	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۸۳۷۷۹/۷۹۶	۲۶۱	۳۲۰/۹۹۵					
کل	۱۱۵۵۹۱/۸۳۴	۲۶۴						

نتایج جدول ۶، نشان می دهد که با توجه به ضریب همبستگی چندگانه $R=0/525$ ، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش بین متوسط بوده است. همچنین، مجذور ضریب همبستگی چندگانه $R^2=0/275$ ، بیانگر این است که متغیرهای پیش بین (مؤلفه های بخشودگی)، تنها ۲۷/۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را تبیین می کنند. نسبت میانگین مجزورات رگرسیون بر باقیمانده بسیار بالا است و آزمون (با $F=33/035$) با سطح معناداری (sig=0/000) با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می باشد. نگاه به سطح معناداری مدل نیز حاکی از این واقعیت دارد که مدل رگرسیون به دست آمده قابلیت پیش بینی متغیر ملاک را دارد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیر تعهد زناشویی

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		بتا	اشتباه معیار	
۰/۰۰۰	۶/۱۰۶		۱۰/۷۶۳	ثابت
۰/۰۴۱	۲/۰۵۸	۰/۱۳۳	۰/۳۷۲	کنترل انتقام جویانه
۰/۰۰۴	۲/۹۲۷	۰/۱۷۷	۰/۴	کنترل رنجش
۰/۰۰۰	۶/۹۱۹	۰/۳۹۲	۰/۴۲۰	درک و فهم واقع بینانه

نتایج جدول ۷ نشان می دهد، آزمون t محاسبه شده برای متغیرهای پیش بین کنترل انتقام جویانه، کنترل رنجش و درک و فهم واقع بینانه با متغیر ملاک تعهد زناشویی با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است. همچنین، ضرایب رگرسیون استاندارد شده نشان می دهد که اثر متغیرهای کنترل انتقام جویانه، کنترل رنجش و درک و فهم واقع بینانه در پیش بینی متغیر تعهد زناشویی به ترتیب ۰/۱۳۳، ۰/۱۷۷، و ۰/۳۹۲ می باشد. به عبارت دیگر، می توان گفت: متغیر درک و فهم واقع بینانه سهم بیشتری در پیش بینی متغیر تعهد زناشویی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی، مسئولیت‌پذیری و بخشودگی با تعهد زناشویی کارکنان متأهل علوم پزشکی ساری می‌باشد. بر اساس یافته‌های فرضیه اول پژوهش، بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و متغیر سبک دلبستگی ایمن سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی ایفا می‌کند. ضرایب رگرسیون استاندارد شده نیز نشان می‌دهد که اثر متغیرهای سبک‌های ایمن و نایمن دوسوگرا در پیش‌بینی متغیر تعهد زناشویی معنادار می‌باشد. نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های فتحی و همکاران (۱۳۹۱)، قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۹۰)، جودی^۱ (۲۰۰۶)، و پیستول و لورانس (۱۹۹۹) همسو بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدش باشد. تداوم این الگوهای اولیه در دوره‌های بعدی به دو روش تبیین می‌گردد: اول اینکه، انتظار می‌رود یک رابطه با ثبات بین کودک و مراقب به وجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی بماند. دوم اینکه، رشد مدل‌های ذهنی یا ابراز دلبستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد، می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانه بعدی راهنمایی و هدایت کند. در واقع، یک رابطه دلبسته ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط اجتماعی تسهیل کند. مهم‌ترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است، به طوری که فرد دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نکند.

بر اساس نظر بسیاری از جمله نظریه بالبی ویژگی‌های رابطه کودک-مراقب قابل‌تعمیم به بسیاری از روابط بزرگسالان با نزدیکان خود، اعم از خویشان و دوستان صمیمی است. در دوران بزرگسالی، دلبستگی‌های قدیمی باقی مانده و وابستگی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. روابط دلبستگی بزرگسالی دارای کیفیت دو جانبه‌اند که دلبستگی‌های نامتقارن کودکی هرگز واجد آن نبودند. هدف از نظام دلبستگی حتی برای بزرگسالان، دسترسی به چهره دلبستگی است. البته برای بزرگسالان ممکن است تماس بدنی واقعی غالباً ضروری نباشد (رشیدی، ۱۳۹۳). افرادی که سبک‌های دلبستگی ایمن دارند، اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند، ارتباط زنده‌تر و خود ابرازگری صمیمانه‌تری داشته و بالطبع رضایت بیشتری از ارتباط خود دارند، روابط بلندمدت‌تری برقرار می‌کنند و نسبت به دیگران متعهدتر هستند. این افراد بیشتر به حمایت همسرشان اعتماد می‌کنند، چون تجربه به آنها نشان داده که همسرشان در موقعیت‌های دشوار آنها را حمایت کرده است (شعبی، ۱۳۹۲).

افرادی با سبک دلبستگی اجتنابی از یک طرف تمایل به برقراری رابطه صمیمانه عاطفی دارند و از سوی دیگر، از این نزدیکی عاطفی احساس ناراحتی می‌کنند، این احساسات با نگرش‌های

منفی درباره خود و همسرشان همراه است؛ آنها خود را بی ارزش می دانند و نمی توانند به همسرشان اعتماد کنند، اغلب با همسرشان احساس صمیمیت نمی کنند و اغلب اوقات احساسات خود را سرکوب کرده و پنهان می کنند و تعهد زناشویی کافی را ندارند. در مقابل، روابطی که به صورت مکرر میل به صمیمیت را ارضاء می کنند، منجر به دل بستگی های ایمن تر در بین زوج ها می شوند. سبک دل بستگی ایمن عموماً با خود افضایی، اعتماد به همسر و رابطه جسمی بیشتر همراه است. بزرگسالان ایمن همچنین نگرش های سازنده تری به حل اختلافات نشان می دهند؛ یعنی نظرات خود را بیان می کنند، نظرات همسرشان را می شنوند و سعی می کنند تا بتوانند روی حل مسائل شان کار کنند و آنها را حل کنند. اما افراد نایمن، همیشه منتظر یک شکست یا خراب شدن رابطه هستند و از این رو، هرگونه حادثه ای را به صورت منفی تعبیر و تفسیر می کنند و تعهد لازم را به همسر خود ندارند.

بر اساس یافته های فرضیه دوم، بین مسئولیت پذیری و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت: متغیر مسئولیت پذیری قابلیت پیش بینی متغیر تعهد زناشویی را دارد. نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش های اردلان و همکاران (۱۳۹۴)، فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)، ممینی نیا (۱۳۹۳)، جوادی (۲۰۱۱)، حیدری (۲۰۰۸)، سلیمی و همکاران (۲۰۱۴) و عبدی و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد.

درباره مسئولیت و رابطه آن با زندگی، گلاسر معتقد است: «ناخشنودی و افسردگی نتیجه عدم احساس مسئولیت است. فرد غیرمسئول برای خود و دیگران ارزش قائل نیست. در نتیجه، خود و دیگران را آزرده می کند» (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۰). بر اساس نظریه چلبی، احساس مسئولیت به شخص اجازه می دهد که همزمان فعال باشد، برای کسب موفقیت تلاش کند، محیط درونی و بیرونی خود را کنترل کند، خودتنظیم باشد، خوددورز باشد و در عین حال، نسبت به دیگران احساس تعلق عاطفی داشته باشد (چلبی، ۱۳۷۵). از نگاهی دیگر، ازدواج موجب رشد اجتماعی افراد و در نتیجه افزایش احساس مسئولیت آنها در مقابل دیگران بخصوص همسر و فرزند می شود. افراد مسئولیت پذیر دارای وجدان بسیار قوی می باشند و خود را در قبال حفظ ارزش های جامعه و دین متعهد می دانند. بنابراین، برای حفظ ازدواج و ایجاد زندگی آرام، مسئولیت پذیری نقش بالایی را ایفا می کند. براین اساس، یکی از معیارهای اساسی که برای انتخاب همسر گفته می شود، حس مسئولیت پذیری افراد است. می توان گفت: در حقیقت، ازدواج اولین مرحله خروج فرد از خودبینی و طبیعت فردی و رفتن به سمت مدار دیگربینی است. در واقع، مسئولیت پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی، متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه رشد اجتماعی، یکی از علل و فلسفه های مهم ازدواج در مردان و زنان است.

همچنین، بر اساس یافته های پژوهش بین بخشودگی و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود

دارد. متغیرهای کنترل انتقام جویانه، متغیر کنترل رنجش، متغیر درک و فهم واقع‌بینانه با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های محمدی (۱۳۹۳) و فیچان و همکاران (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: هنگامی که فرد قادر به بخشش باشد، رابطه میان هتک حرمت و کیفیت رابطه زناشویی و رضایت زناشویی ضعیف، تعدیل می‌شود. توانایی بخشش همسر می‌تواند به عامل پابرجایی رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر گردد. در حقیقت، افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند، اعتقاد بر تقدس رابطه زناشویی خود دارند و این توانایی بخشش همسر به استحکام بیشتر رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد. همچنین، می‌توان رابطه بخشودگی و تعهد زناشویی را با مدل سرمایه‌گذاری راسبالت^۱ (۱۹۹۳) توجیه کرد. طبق این مدل، تعهد در زندگی زناشویی از رضایتمندی زناشویی، کیفیت جایگزین‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها متأثر می‌شود. او معتقد است: رضایتمندی نوعی ارزشیابی ذهنی از پاداش‌ها و تنبیه‌های نسبی است که فرد در یک رابطه تجربه می‌کند. راسبالت، تصریح می‌کند که تعهد به وسیله میزان رضایتمندی ایجاد شده در رابطه تقویت می‌شود. برای اینکه افراد سطح رضایتمندی خود را تعیین کنند، هزینه‌ها و پاداش‌های روابطشان را برآورد می‌کنند. مزایا و پاداش‌های بالقوه با انتظارات فرد در مورد رابطه، مقایسه می‌شود. این استانداردهای شخصی به عنوان معیار سنجش شناخته می‌شوند. این سطح رضایتمندی، عملکردی از سنجش سطح و نتایج رابطه کنونی است. زمانی که نتایج به دست آمده بیش از سطح معیار باشد، فرد از رابطه‌اش خشنود است، اما زمانی که نتایج به دست آمده پایین‌تر از استانداردهای درونی باشند، عدم رضایتمندی اتفاق می‌افتد.

علاوه بر همه تحلیل‌ها و تبیین‌های گفته شده و با توجه به وابستگی سبک زندگی افراد هر جامعه به فرهنگ و آداب و رسوم آن، نمی‌توان نقش مؤثر دین و باورهای مذهبی در زندگی خانوادگی را در نظر نداشت. براین اساس، لارسون^۲ (۱۹۸۹) در بررسی خود نشان داد که جهت‌گیری مذهبی تأثیری عمیق بر بالا رفتن تعهد مذهبی، بخشیدن حس هدفمندی به خانواده و ارزش‌های مبتنی بر نیازها و رفاه دیگران دارد. جانسون (۱۹۹۶) نیز در پژوهش خود دریافته‌اند که دینداری و اعتقادات مذهبی عمدتاً همبستگی بالایی با تعهد اخلاقی زوجین دارد. در مقابل، گرین و بیور^۳ (۱۹۹۵) بیان می‌کنند: شکستن تعهد زناشویی در افرادی که از لحاظ مذهبی ضعیف هستند، مشاهده می‌شود. همچنین، در مطالعه گال^۴ (۲۰۰۶) نشان داده شده است که اعتقاد به خدا می‌تواند به عنوان یک منبع پناهندگی که امنیت و راحتی و همچنین کمک و راهنمایی را

۱. Rusbult, C. E

۲. Larson, L. E

۳. Green, S. G., & Bauer, T. N

۴. Gall TL

فراهم می‌کند، به افراد کمک کند. در این پژوهش، زوجها بیان کرده‌اند که وقتی خدا را در زندگی خود مد نظر قرار می‌دهند، تعهد زناشویی قوی‌تری دارند. بنابراین، می‌توان گفت: افراد دیندار تمایلی به رابطه خارج از رابطه زناشویی ندارند و دینداری آنها باعث متعهد ماندن آنها به رابطه با همسرشان می‌شود (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۰).

در کل می‌توان گفت: دینداری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعهد زوجین به رابطه و ثبات کانون خانواده است و رضایت زناشویی را به دنبال دارد. دینداری افراد باعث می‌شود تا آنها به ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یک امر الهی و مقدس بنگرند و به تداوم ازدواج و حفظ کانون خانواده متعهدتر باشند. در صورتی که آموزش‌های دینی بتواند به نحو مؤثری در باورهای افراد جای گرفته و در آن نهادینه شود و سپس با واسطه‌هایی از قبیل انجام فرایض دینی و شرکت در مناسک دینی و اجتماعی تقویت گردد، می‌تواند موجب تحکیم پیوندهای زناشویی و ارتقای تعهد زناشویی گردد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش، مقطعی بودن و جامعه پژوهش می‌باشد که تنها شامل کارکنان متأهل علوم پزشکی ساری می‌باشد و این مسئله تعمیم نتایج را با محدودیت و احتیاط مواجه می‌سازد.

منابع

نهج البلاغه

- احدی، بتول (۱۳۸۶)، «رابطه شخصیت و رضایت زناشویی»، روان‌شناسی معاصر، ش ۲، ص ۳۱-۳۷.
- اردلان، محمدرضا؛ قنبری، سیروس؛ بهشتی‌راد، رقیه و نویدی، پرویز (۱۳۹۴)، «تأثیر سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تعهد سازمانی (مطالعه موردی کارکنان دانشگاه رازی کرمانشاه)»، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال پنجم، ش ۱۰، ص ۱۰۹-۱۳۲.
- اسکندری، حسین؛ هادی، سعیده؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نورعلی (۱۳۹۵)، «رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۶۰، ص ۴۲-۵۹.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حفاظی طرقله، میترا؛ فیروزآبادی، علی و حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایت‌مندی زوجه»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره شانزدهم، ش ۵۴، ص ۹۹-۱۰۹.
- رشیدی، اسماعیل (۱۳۹۳)، رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات کرمانشاه.

- رضایی، جواد؛ احمدی، سیداحمد؛ اعتمادی، عذرا و رضایی حسین‌آبادی، مریم (۱۳۹۱)، «تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور بر تعهد زناشویی زوجین»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، ش ۱، ص ۳۷-۶۰.
- زارع بهرام‌آبادی، مهدی؛ دره، ایمان و اژدری، گلناز (۱۳۸۹)، «رابطه بین دلبستگی شغلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل عاطفی با رضایت شغلی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمان، سال اول، ش ۴، ص ۵-۲۴.
- زکی بی، علی؛ خدادادی، کامران؛ علیخانی، مصطفی؛ رستمی، سمیرا و کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «رابطه مهارت‌های زندگی و ویژگی‌های شخصیتی با بخشودگی زناشویی در میان زنان شهر کرمانشاه»، زن و مطالعات خانواده، سال سوم، ش ۱۰، ص ۷۵-۹۱.
- زهدتاب نجفی، عادل؛ درویشه، زهرا و پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۰)، «رابطه بین بخشودگی و رضایت زناشویی زوجین کرمانشاهی»، زن و فرهنگ، سال دوم، ش ۸، ص ۲۳-۳۳.
- شعبی، فاطمه (۱۳۹۲)، سبک دلبستگی و روابط اجتماعی، انتشار الکترونیکی.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سیدشهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان و محمدی‌آریا، علیرضا (۱۳۹۱)، «رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران»، رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ص ۲۳-۴۲.
- عباسی مولید، حسین؛ فاتحی‌زاده، مریم و قمرانی، امیر (۱۳۹۲)، «تأثیر زوج‌درمانی گلاسر بر افزایش تعهد اخلاقی زوجین»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم، ش ۲۵، ص ۵۹-۸۰.
- عبدی، اکبر؛ رحیمی، زهرا؛ کریمیان، نادر و بهمنی، بهمن (۱۳۹۴)، بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران، اولین همایش ملی روان‌شناسی و خانواده.
- فتاحی، نبی؛ زنگویی، سحر؛ حسینی، سیده‌طاهره و استواری، فریبا (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی خودکنترلی و تعهد زناشویی بر اساس مسئولیت‌پذیری»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، ترکیه - استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.
- فتحی، الهام؛ اعتمادی، احمد؛ حاتمی، ابوالفضل و گرجی، زهرا (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی»، زن و مطالعات خانواده، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۶۳-۸۲.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام؛ حاتمی ورزند، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰)، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی»، جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، ش ۳، ص ۳۹-۶۰.
- محمدی، بهناز (۱۳۹۳)، بررسی رابطه صمیمیت زناشویی و بخشودگی با تعهد زناشویی در کارکنان زن

متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شاهرود، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره، بجنورد: دانشگاه بجنورد.

ممبینی نیا، یوسف (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه مسئولیت پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه پیام نور شهرستان ایذه»، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه – استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.

میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۱)، اندیشه های راهبردی زن و خانواده، تهران: پیام عدالت.

Adams, J. M., & Jones, W. H., (2004), The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis, *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), p. 1177–1196.

Baskin, T., & Enright, R., (2004), Intervention studies on forgiveness: a Meta – analysis. *Journal of counseling; Development*, v. 82, n. 1, p. 79.

Collins, N., & Feeney, B., (2000), A safe haven: An attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, n. 78, p. 1053–1073.

Finchan, f., paleri, G., & recalia, c., (2002), forgiveness in marriage: the role of relationship quality, attributions, and empathy, *Personal Relationships*, 9, p. 27–37

Gall, T. L., (2006), Spirituality and coping with life stress among adult survivors of childhood sexual abuse, *Child Abuse Negl*, 30(7), p. 829–844 PMID.

Green, S. G., & Bauer, T. N., (1995), Supervisory mentoring by advisers: Relationships with doctoral student potential, productivity, and commitment: *Personnel Psychology* Vol 48(3), 537–561.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987), Romantic love conceptualized as attachment process, *J Pers Soc Psychol*, 52(3), p. 511–524.

Heydari, M., (2008), Religious and family satisfaction. 3rd ed. Qom: Publishing Imam Khomeini Education and Research Institute.

Jarvis, M. O., (2006), The longterm role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Texas at Austin.

Javadi, G., (2011), The role of accountability in academic performance, *Journal of Applied Psychology*, 4(12), p. 73–94.

Johnson, M.P, (1996), The tripartite nature of marital commitment: personal, moral, and structural reasons to stay married, *Journal of marriage and the family*, n. 61, p. 160–177.

Johnson, M.P, Caughlin, JP, & Huston, T.L, (1999), The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married, *J Marriage Fam*, n. 61, p. 160–77.

judy, A, (2006), understanding the contribution of relative commitment to the link between romantic attachment and jealousy, Unpublished doctoral dissertation, university of Carolina.

Kapinus, C. A, & Johnson, M. P, (2003), The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool commitment and family life–cycle stage, *Journal of Family Issues*, 24(2), p. 155–184.

Larson, L.E, (1989), Religious participation and marital commitment, *Review of Religious Research*, n. 30, p. 387–400.

Mahoney, A, (2005), Religion and Conflict in Marital and Parent–Child Relationships, *Journal of Social Issues*, 61(4), p. 689–706.

Masters, A, (2008), Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging, *Review of Economic Dynamics*, 11(3), p. 614–628.

Mattingly, B.A, Wilson, K, Clark, E.M, Bequette, A.W, & Weidler, D.J, (2010), Foggy Faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample, *J Fam Issues*, 31(11), p. 465–1480.

Nelson, J.A, Kirk A.M, Ane, P, & Serres SA, (2011), Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: untapped resources in couples counseling? *Counseling and Values*, 55(2), p. 46–228.

Pistol, M.C, & Iorance, C.V, (1999), Attachment and commitment in collegestudent's romantic relationships, *Journal of college student development*, 40(6), p. 710

Ramirez, A, (2008), An examination of the tripartite approach to commitment: An actor–partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior, *Journal of Social and Personal Relationships* 1, 25(6), p. 943–965.

Rusbult, C. E, (1993), Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis, *Journal of Social and Personal Relationships*, n. 10, p. 175–204.

Salimi A, Bahrami, F, Taheri, M, Yonsei, G, & Hosseinzadeh, S, (2014), The relationship between family functioning and responsibility in young people with visual impairments compared with normal teenager, *Journal of Behavioral Sciences*, 12(4), p. 490–499.

Tang, C. Y, & Curran, M. A, (2012), Marital commitment and perceptions of fairness in household chores, *Journal of Family Issues*, 34(12), p. 1598–1622.

